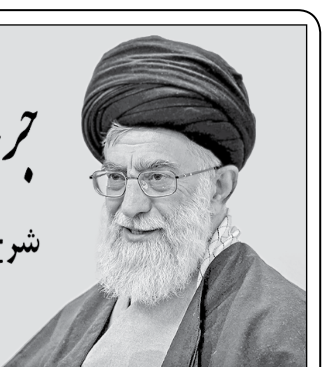

جرعه‌های معرفت
شرح حدیث معصومین(ع) در کلام رهبر انقلاب

نحوه استفاده از دنیا

اِجعَلِ الدّنیا کَلِمَتَینْ (۱)

این دنباله فرمایشات جناب ابی‌ذر در باب شئون دیگر زندگی- مثل حرف که ما می‌زنیم- است؛ می‌فرماید که این قدرت نطق را، این قدرت حرف زدن را، این توانایی عمل کردن را دو جور مصرف کن.

کلمةً فی طلب الحلال و کلمة للآخرة؛ یک فصل باز کن برای اینکه دنبال حلال بگردی. حالا رزق حلال شامل خیلی چیزها است؛ در امر معیشت، در امر ازدواج، در امر تحصیل علم، اینها همه‌اش حلال‌های الهی است.

و کلمةً للآخرة؛ یک بخش دیگر را هم برای آخرت [باز کن].

حاصل اینکه مال دنیا را، امکانات دنیا را، یا برای آنچه که مسائل ضروری زندگی است و معیشت تو متوقف به آن است، یا صرف این چیزها بکن که خیر دنیایی او به تو برسد، یا صرف آخرت بکن که خیر خدایی و آخرتی او به تو برسد. امکانات را بی‌جا مصرف نکن.

و الثالِثَةُ تُضِرّ و لا تَنفَع لا تُرِدْها؛ کلمه سوم، اقدام سوم، حرف سوم که نه برای طلب حلال است و نه برای آخرت است، این نفع ندارد، ضرر هم دارد.

---

۱) الشافی، ص ۸۶۸ [قالَ أبو ذرّ : اجعَلِ الدّنیا کَلِمَتَینِ : کَلِمَةً فی طَلَبِ الحَلالِ و کَلِمَة للآخِرَةو الثالثة تَضُرّ و لا تَنفَعُ فلا تُرِدْها؛ ابوذر(ره) گفت: دنیا را دو کلمه قرار بده: کلمه‌ای در طلب [روزی]حلال و کلمه‌ای برای آخرت و کلمه سوم زیان می‌زند و سود نمی‌رساند ، پس به آن نپردازد].

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج ، ۹۴/۲/۵
* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

فرش‌های ساییده

مقداری زیلو در خانه رهبر معظم انقلاب بود. آنها را جمع کردیم و فروختیم و یک مقدار هم پول از مال شخصی خودم روی آنها گذاشتم تا به جای آن زیلوها، برای منزل آقا فرشی تهیه کنیم. وقتی زیلوها را عوض کردیم و فرش‌ها را پهن نمودیم، آقا تشریف آوردند و فرمودند: اینها دیگر چیست؟

گفتم: زیلوها را عوض کردیم.

فرمودند: اشتباه کردید که عوض نمودید! بروید همان زیلوها را بیاورید!

اصرار را بی‌فایده دیدم و با هزار مکافات، رفتم زیلوها را پیدا کردم و در خانه انداختم؛ زیلوهایی که واقعا وقتی به آنها نگاه می‌کردی، می‌دیدی که نخشان درآمده و ساییده شده‌اند.

(سردار سرتیپ پاسدار شوشتری- کتاب پرتوی از خورشید؛ علی شیرازی ج ۸ ص ۵۹)

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

خرید ماهی از مسلمان

س: آیا خریدن ماهی جهت خوردن از صیاد مسلمانی که رعایت مسائل شرعی را نمی‌کند، جایز است؟

ج: جایز است، مگر بدانید مرده از آب گرفته است و یا بدانید فلس ندارد.

مخالفت آیت‌الله بروجردی با بستن مدارس دخترانه

مرحوم دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی نوشته است: در سال ۱۳۲۴ وقتی ملک‌الشعراء بهار وزیر فرهنگ شد، مرا به سمت بازرس و سرپرست فرهنگ قم و کاشان و ساوه و محلات و گلپایگان به قم فرستاد. در آن ایام آیت‌الله‌العظمی بروجردی تازه به قم رفته بودند. ایشان بعد از رحلت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، از سوی شیعیان جهان به سمت مرجعیت علی الاطلاق انتخاب شده بودند.

بعضی از مردم ساده‌دل به تصور اینکه وقتی مرجع تقلید در قم اقامت گزیند، مدارس دخترانه را باید تعطیل کرد، با جنجال تنها دبیرستان دخترانه قم را که در جوار منزل مرحوم بروجردی بود، بسته بودند. این خبر که به شهرستان‌های مجاور رسیده بود به تصور اینکه این حرکت به فتوا واشارت مرجع تقلید صورت گرفته است، شروع به بستن مدارس دخترانه و اهانت به عمارت مدرسه و معلم‌ها کردند؛ از همین رو عازم قم شدم و نزدیک غروب رسیدم و بعد از زیارت و نماز به همراه مرحوم سید ابوالفضل تولیت، به محضر آیت‌الله شرفیاب شدم. آیت‌الله وقتی اسم خانوادگی مرا شنید سخنان ملاطفت‌آمیزی درباره پدر و نیاکان بنده فرمودند که بسیار موجب دلگرمی شد. بعد مسئله بستن مدارس دخترانه را عنوان و عرض کردم شایعه شده است این اقدام به‌اشارت جنابعالی صورت گرفته است. اگر چنین است بفرمائید تا اوامر عالی به صورتی مطمئن و محتشم که موجب هتک حرمت به نوامیس مردم نباشد از سوی دولت اجرا شود و گرنه هر نظری دارید ابلاغ فرمایید. مرحوم آیت‌الله وقتی این گزارش را شنیدند، سخت ناراحت شدند و فرمودند: مگر من طلبه می‌توانم فتوا به حرمت تحصیل علم بدهم؟! چه کسی این حرف‌ها را بر من می‌بندد؟ نه. مدرسه‌ها را باز کنید؛ درس نباید تعطیل شود و حلال خدا نباید حرام گردد.

به نظر بنده این روشن‌بینی آن مرجع عالیقدر جهان تشیع سبب رواج علم و دانش بین دختران شد و سبب پیدایش این‌همه دانش‌آموخته از بین زنان از پزشک و پرستار و معلم و کارمند و سایر مشاغل گردید.(۱)

۱.با اقتباس و ویراست از کتاب مردان علم در میدان عمل؛ به نقل از حوزه نیوز.

زائرین و خادمان اربعین حسینی، مبلّغان دین خداوند

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاریان

حجت‌الاسلام والمسلمین «حسین انصاریان» در آستانه راهپیمایی اربعین حسینی(ع) یادداشتی درباره ارزش و اهمیت اربعین و حرکت عظیم مردم در زیارت حضرت سیدالشهداء(ع) در این روز نوشته و در خبرگزاری تسنیم منتشر شده که متن آن از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

امام حسین(ع)، عظیم‌العظمای عالم

نوشته‌ای را درباره حضرت سیدالشهداء از فیلسوف، حکیم و عارف بزرگی خواندم که در این نوشته از آن حضرت به «عظیم‌العظما» تعبیر کرده بود؛ بدین معنا که وجود مبارک حضرت سیدالشهداء در شأنیت و هویت خودش از هرچه انسان و شخصیت بزرگ در این عالم است، بزرگ‌تر و والاتر هست. از زیارت وارث نیز همین معنا استفاده می‌شود و می‌توان تمام ارزش‌های حضرت آدم(ع) و انبیای اولوالعزم را در وجود مبارک امام حسین(ع) مشاهده کرد. همانا ایشان بنده‌ای خاص در درگاه الهی است که نه تنها جایگاه ویژه‌ای در این عالم دارد، بلکه در عالمِ بعد نیز از جایگاه ارزشمندی برخوردار است.

گریه انبیای الهی بر مصائب کربلا

در روایات رسیده از اهل‌بیت(علیهم‌السلام) آمده که جبرئیل امین از همان زمان حضرت آدم(ع) از سوی پروردگار مأموریت یافت که حضرت سیدالشهداء را به حضرت آدم(ع) و همه انبیای الهی بشناساند و ماجرای کربلا را به صورت مختصر برای آنها بازگو کند. امین وحی نیز تمام پیامبران را از این واقعه آگاه کرد و همه آنها بر مصائب این امام مظلوم گریستند.

البته تنها پیامبران الهی بر مصائب جانسوز کربلا نگریستند، بلکه اهل‌بیت(ع) هم در زمان ولادت امام حسین(ع) اشک ریختند و اندوهگین بودند. گریه بر آن حضرت هیچ‌گاه و در گذر زمان رنگ نباخته و کمرنگ نشده است و همواره دل‌های عاشق و مؤمن در رثای او گریه کرده و به سوگ نشسته‌اند. وقایع کربلا و شهادت این امام و یاران ایشان به قدری سخت، غم‌انگیز و جانگداز بوده و هست که به فرموده امام زین‌العابدین، تمام موجودات ارضی و سماوی بعد از جریان عاشورا برای آن حضرت گریستند؛ از همین امر نیز واضح و مبرهن است که گریه بر ایشان و حوادث جانسوز کربلا موضوعیت و قطعیت دارد و لذا از فرمایشات حضرت امام رضا و بعضی از ائمه(ع) می‌توان دریافت که گریه بر حضرت واجب است و نه مستحب. روایات بسیار مهمی در این‌باره بیان شده که معتبرترین کتاب‌های ما -شیعه و غیرشیعه- نقل کرده‌اند.

سفارش ائمه(ع) به زیارت کربلا

آنچه که پس از گریه بر مصائب آن حضرت حائز اهمیت است و اولویت دارد، زیارت حضرت حسین(ع) است. امامان معصوم(ع) نسبت به زیارت امام حسین(ع) و یاران ایشان دستور اکید داده‌اند و سفارشاتی را به مؤمنان و عاشقان مکتب اهل‌بیت داشته‌اند. در این سفارشات آمده است: آنان که توان زیارت حضرت را دارند، فرقی نمی‌کند که در کدام نقطه از این کره خاکی زندگی می‌کنند، حتی اگر یک بار در طول عمرشان باشد، به زیارت این امام شهید بروند؛ و چنانچه برای آنها میسّر است، در سال به دفعات بروند و ایشان را زیارت کنند.

همچنین در این روایات به ثواب عظیم زیارت قبر امام حسین(ع) و یاران آن حضرت به تناسب مکلّفین اشاره شده است. در برخی روایات چنین ذکر شده است: ثواب هر قدمی که زائر امام حسین(ع) از منزل خود تا حرم ابی‌عبدالله برمی‌دارد، حال هرمقدار فاصله که بین منزل و حرم باشد، با ثواب یک حج و عمره قبول شده برابری می‌کند؛ البته در برخی روایات نیز نود حج و عمره قبول شده و یا هزار حج و عمره قبول شده آمده و این اختلاف روایات به تفاوت معرفت و ظرفیت زائر بستگی دارد. گاهی زائر حرم آن حضرت از امامان معصوم(ع) است و گاهی مؤمنی با درجه والای معرفتی و گاهی نیز مؤمنی با درجه پایین‌تر ایمانی؛ لیکن نکته مهم و درخور توجه، سفارش و تأکید نسبت به سفر به کربلا و زیارت قبر ایشان است، نه اینکه امام را در منزل خود و با خواندن زیارتنامه آن حضرت زیارت کنیم. در حقیقت، مقصودِ ائمه زیارتی است که موجب زنده نگه داشته شدن این ماجرای جانسوز و دلخراش در ظرف جهان باشد.

این سفارشی نیست که تنها به زمینیان شده باشد و انسان‌ها به آن فرمان یافته باشند، بلکه در کتاب «کامل‌الزیارات» آمده است که هر شب هفتاد هزار فرشته به امر خداوند متعال، در اول غروب به زیارت حرم حضرت می‌آیند و در اول فجر به عرش باز می‌گردند، تعداد فرشتگان عرش الهی به‌قدری زیاد است که تا روز قیامت، فقط یک بار توفیق زیارت حرم ابی‌عبدالله نصیب آنان می‌شود.

زیارت اربعین در روایات

اما آن زیارتی که پیغمبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) به آن مکرراً و مؤکداً سفارش کرده‌اند، زیارت امام حسین(ع) در چهلمین روز شهادت آن حضرت و یاران باوفای ایشان است. زیارتی که سال‌هاست مردم با شور و حرارت بسیار در اربعین انجام می‌دهند. به راستی که این شور و حال زیارت در این روز و جمعیت گسترده مردم به خواست و هدایت پروردگار متعال صورت گرفته و چنین گردهمایی در تاریخ بشر و بر روی کره زمین بی‌سابقه است. اجتماعی خاص و منحصربه‌فرد با هدفی معنوی و الهی که نظیری را برای آن در هیچ نقطه‌ای از دنیا نمی‌توان یافت.

این جمعیت میلیونی هرساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان‌نوازانی هستند و چه زیبا از زائران امام حسین(ع) پذیرایی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکّن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اینها در طول سال، مقداری از پولشان را برای زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه ابی‌عبدالله پذیرایی می‌کنند.

امامان معصوم(ع) نسبت به زیارت امام‌حسین(ع) و یاران ایشان دستور اکید داده‌اند و سفارشاتی را به مؤمنان و عاشقان مکتب اهل بیت داشته‌اند. در این سفارشات آمده است: آنان که توان زیارت حضرت را دارند، فرقی نمی‌کند که در کدام نقطه از این کره خاکی زندگی می‌کنند، حتی اگر یک بار در طول عمرشان باشد، به زیارت این امام شهید بروند؛ و چنانچه برای آنها میسّر است، در سال به دفعات بروند و ایشان را زیارت کنند.

زوّار اربعین حسینی، مبلّغان دین الهی

حقیقتاً افرادی که به این شکل به پیاده‌روی اربعین می‌روند و آنان که به این گروه‌ها خدمت می‌کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی‌عبدالله تبلیغ می‌کنند. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به جایی رسیده که چند سالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان و حتی گروهی از اهل تسنن نیز بدان جذب شده‌اند و هر ساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می‌رسانند. یقیناً اینها از ثواب زیارت امام حسین(ع) بی‌بهره نخواهند بود و چه بسا همین آمدن‌ها موجب آشنایی با دین حقیقی خدا باشد و امید است که روزی در پرتو حضورشان در اربعین حسینی در زمرهٔ پیروان مکتب اهل‌بیت(ع) قرار گیرند.

قتلگاه امام حسین(ع)، محل معراج ملکوتیان

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:«سُبْحانَ الَّذی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الأَقْصَی الَّذی بارَکْنا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیاتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ؛ منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمّد(ص)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد تا [بخشی] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست» (سوره اسراء، آیه ۱).

طبق این آیه و نیز سوره مبارکه نجم، همانا معراج عوالم بالا برای انسان کامل و خلیفةالله الاعظم رخ داده که در بین زمینیان می‌زیسته؛ اما روایتی از امام صادق(ع) در «کامل‌الزیارات» نقل شده که این کتاب از معتبرترین کتب در ۱۲۰۰ سال گذشته است، ایشان در این روایت فرموده‌اند: همانا حسین ما قتلگاه خود را به معراجی برای ملکوتیان مبدّل کرد. تنها یک نفر از اهل زمین به معراج رفت که رسول گرامی اسلام(ص) بود، اما هزاران هزار فرشته و ملک مقرب الهی از عالم ملکوت برای معراج به زیارت حرم ابی‌عبدالله می‌آیند.

پس شما ای زائران اربعین حضرت امام حسین(ع) بدانید که چه کار عظیمی توسط شما انجام می‌شود و این را نیز بدانید که با دست به هم دادن و ساختن جمعیتی چند میلیونی از زائران اربعین، چه آثار پر برکتی را از خود به‌جا می‌گذارید. بی‌گمان، این آغاز راه است و جهان در آینده تحت تأثیر منش و رسالت سیدالشهدا(ع) و زائران آن حضرت قرار خواهد گرفت و به زودی چراغ دروغین ادیان و مکتب‌های غیرخدایی به وسیله طوفان ایمان به ابی‌عبدالله به خاموشی خواهد گرایید و چه بسا در همین اربعین، جهان آماده ظهور امام عصر(عج)، برپایی عدل جهانی و پذیرش مکتب حسینی شود.

باش تا صبح دولتت بدمد
کین هنوز از نتایج سحر است

شما ای زائران اربعین حضرت امام حسین(ع) بدانید که چه کار عظیمی توسط شما انجام می‌شود و این را نیز بدانید که با دست به هم دادن و ساختن جمعیتی چند میلیونی از زائران اربعین، چه آثار پربرکتی را از خود به‌جا می‌گذارید. بی‌گمان، این آغاز راه است و جهان در آینده تحت تأثیر منش و رسالت سیدالشهدا(ع) و زائران آن حضرت قرار خواهد گرفت و بزودی چراغ دروغین ادیان و مکتب‌های غیرخدایی به وسیله طوفان ایمان به ابی‌عبدالله به خاموشی خواهد گرایید.

حقیقتاً افرادی که به این شکل به پیاده‌روی اربعین می‌روند و آنان که به این گروه‌ها خدمت می‌کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی‌عبدالله تبلیغ می‌کنند. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به جایی رسیده که چند سالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان و حتی گروهی از اهل تسنن نیز بدان جذب شده‌اند و هر ساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می‌رسانند. یقینا اینها از ثواب زیارت امام حسین(ع) بی‌بهره نخواهند بود.

چرایی تاکید امام حسن عسکری(ع) به زیارت اربعین

پیشوای یازدهم شیعیان بقای شیعه را به زیارت اربعین امام حسین(ع) پیوند می‌دهند، زیرا نهضت امام حسین(ع) عامل بقا و حیات دین اسلام و مذهب شیعه است؛ بدین سبب امام(ع) می‌خواهند با همان شعارهای حسینی(ع) نهضت زنده باشد و هدف‌ها و شعارهای امام حسین(ع) زنده بماند؛ لذا ویژگی‌های خاص مؤمن را برمی‌شمارد تا شیعه از پویایی برخوردار باشد؛ اگر امام، نمادهای شیعه را در پویایی و حضور می‌دانند؛ از این نوع نگاه می‌توان فهمید شیعه می‌تواند با انسجام و حضور خود در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و عبادی نظیر: نمازهای جمعه و جماعت، حج و زیارت امام حسین(ع) و... پویایی خود را نشان دهد.

زیارت اربعین که مورد تأکید امام حسن عسکری(ع) است؛ (۱) با توجه به شرایط خاص دوره امامت حضرت به لحاظ سیاسی و اجتماعی و اینکه شیعه نیاز دارد تا نمادهای خود را علنی کند (چون دوره حضور امامت بعد از امام عسکری(ع) پایان یافته و دورهٔ غیبت صغری و کبری شروع می‌شود)؛ لذا شیعه باید انسجام خود را در این نمادها نشان دهد و از نظر جمعیتی، شاخص داشته و اظهار وجود کند؛ در غیر این صورت اگر شعارها و نمادهای خود را علنی نکند چه بسا امکان دارد در طول تاریخ راه گم شود و تشیع مانند دیگر فرقه‌ها از نظر عقیدتی و با توجه به غیبت امام به حسب شرایط سخت از بین برود.

امام حسن عسکری(ع) اتحاد و انسجام را پیرامون امام حسین(ع) قابل دسترسی می‌دانند؛ لذا انگشت‌اشاره را به سوی اربعین و زیارت اربعین برده‌اند. گویا امام(ع) عظمت امروز شیعه را تجسم کرده و برای خلاصی و رهایی انسان امروز از سختی‌های دورهٔ غیبت به اربعین و عظمت امام‌حسین(ع) اشاره می‌فرمایند. در واقع احیای اربعین، احیای نهضت عاشورا با تمام محتوای نهضت حسینی(ع) است؛ لذا شیعه امروز با سرافرازی به نهضت امام حسین(ع) نگریسته و از آن در انسجام اسلامی بهره می‌برد.

امام حسن عسکری(ع) اتحاد و انسجام را پیرامون امام حسین(ع) قابل دسترسی می‌دانند؛ لذا انگشت‌اشاره را به سوی اربعین و زیارت اربعین برده‌اند. گویا امام(ع) عظمت امروز شیعه را تجسم کرده و برای خلاصی و رهایی انسان امروز از سختی‌های دورهٔ غیبت به اربعین و عظمت امام حسین(ع) اشاره می‌فرمایند. در واقع احیای اربعین، احیای نهضت عاشورا با تمام محتوای نهضت حسینی(ع) است.

تاثیر مراسم اربعین در سبک زندگی اسلامی

مراسم باشکوه اربعین و توجه به مراسم و شرکت وسیع در آن یقینا می‌تواند در روح انسان تأثیرات عمیقی داشته و جلب حیات حسینی(ع) شود. چنین همایشی می‌تواند ابعاد زندگی مسلمانان را تحت تاثیر قرارداده و بسیاری از آسیب‌ها و فاصله‌ها را ترمیم کند. امروزه آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی زیادی در جوامع اسلامی وجود دارد که عمده‌ترین آن مسئلهٔ جریان‌های تکفیری است که اگر به اربعین و عظمت آن و اهداف امام‌حسین(ع) توجه کنند، ممکن است از کجراهه خود برگردند. این گروه اگر در دشمن‌شناسی بصیرت داشتند و به این نکته می‌رسیدند که دشمن مشترکِ همه فرقه‌های مسلمان، صهیونیست‌ها، مستکبرین و استعمارگران است نه شیعیان، چنین آب به آسیاب مستکبران نمی‌ریختند.

اربعین در اصلاح آسیب‌ها می‌تواند درس‌آموز و راهبردی برای ترمیم گسل‌های قومی، مذهبی در جهان اسلام باشد؛ اجتماع باشکوه برای تجلیل از فرزند پیامبر(ص) از طرفی برای همه مردم، به یاد امام حسین(ع) بودن است و از طرف دیگر اربعینی شدن می‌تواند تأثیر معنوی و اخلاقی در اصلاح رفتار مسئولان داشته باشد؛ کسی که همواره به یاد امام حسین(ع) است، رشوه نمی‌خورد؛ ظلم نمی‌کند؛ از آموزه‌های نهضت سیدالشهدا(ع) درس گرفته و شاگرد مکتب امام حسین(ع) خواهد بود. چنین شخصی در نتیجه از مفاسد مختلف به دور بوده و با بهره مندی از زندگی حسینی (ع)، از حیات یزیدی و اموی به دور خواهد بود.

پی نوشت‌ها:

(۱)امام حسن عسکری(ع) فرمود: نشانه‌های مؤمن پنج تاست. پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، گذاشتن پیشانی بر خاک، بلند گفتن بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. (کتاب المزار- مناسک المزار(للمفید)، النص، ص۵۳)

از: خبرگزاری حوزه

شجاعت علمای نترس در اجرای امر به معروف و نهی از منکر

یکی از موضوعات آیات و روایات، مقایسه بین احکام از جهت شأن و تأثیراست؛ مثلا ولایت آن گونه است که به رسول خدا می‌فرماید اگر آن را ابلاغ نکنی «فما بلّغتَ رسالته» یعنی در ۲۳ سال هیچ کاری برای ما نکردی. یکی از روایات ناظر به مقایسه بین احکام و مفاهیم دینی، روایتی است که می‌گوید اگر تمام عبادات در یک کفه ترازو گذاشته شود و امر به معروف و نهی از منکر در کفه دیگر مثل این می‌ماند که رطوبت نوک سوزن در برابر دریا گذاشته شود: کنفثَة فی بحر لُجّی.

سخت‌ترین مرتبه امر به معروف

در میان انواع امر به معروف و نهی از منکر نیزبازمقایسه شده و فرموده‌اند بالاترین نوع آن، کلمهٔ عدل عند امام جائر است یعنی کسی بی‌پروا در برابر حاکم جائر حرف حق را بزند و او را نهی از منکر کند و از ارتکاب به منکروباطل بترساند، این نوع از امر به معروف و نهی از منکر، بسیار سخت و خطرناک است و در طول تاریخ فقط انسان‌های نابغه و نادر توانسته‌اند به آن عمل کنندوبه مقام یخشونه ولایخشون احدا الاالله برسند کأنّه این فریضه مال کسانی است که ذره‌ای ترس و تعلق در وجودشان نبوده و ترس را ترسانده‌اند، درجایی که معاویه می‌گوید هرکس به ما بگوید اتق الله گردنش را می‌زنم، حرف زدن دربرابراو بسیارخطری خواهدبود.

در رأس تمام این افراد نابغه حضرت سیدالشهدا(ع) قرار دارد که با شجاعتی بی‌نظیر و جرأتی غیر قابل وصف با تمام توان در برابر هردو طاغوت متعفن زمان خود ایستاد و از همه چیزش گذشت.

بعد از عاشورا کسانی بوده‌اند که به حضرت سید الشهداء که به حق سید اهل اباء(آزادگی) نام گرفته اقتداء کرده و یک تنه به مخالفت با طاغوت زمان برخاسته‌اند. بسیار شایسته است که این افراد در مجموعه‌ای شایسته جمع‌آوری وبه نسل جدید معرفی شوند. در راس این شخصیت‌ها حضرت امام قراردارندکه با شجاعت و جسارت تمام در برابر دستگاه عفریت مستکبر ایستادند و فرمودند : والله به عمرم نترسیدم ،آن روز هم که مرا گرفته و می‌بردند آنها می‌ترسیدند، من به آنها دلداری می‌دادم. او متهورانه به شاه گفت اگر کارهای خلاف شرع خودت را جمع نکنی از مملکت می‌اندازمت بیرون!!!

مرحوم مدرس یکی دیگر از این شخصیت‌های حماسی است. او یک تنه در برابر رضاخان ایستاد در حالی که همه از او وحشت داشتند.رضاخان به اوگفت: سید؛ از جان من چه می‌خواهی ؟گفت می‌خواهم تونباشی !

آیت الله حاج آقاحسین قمی سومین شخصیت نترس است که رضاخان از دست او ذله ومجبورشداورابه عراق تبعیدکند. رضاخان هنگام تبعیداو چک سفید فرستاد ولی اونپذیرفت و برگرداند، ایشان بعداز فوت آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی به مرجعیت رسید ولی دوماه طول نکشید و با آرزوی مرگ، مرگ را در آغوش گرفت. ماجرا ازاین قراربود که بعداز فوت سیدابوالحسن اصفهانی دفاتر مرجعیت را در اختیار او قرار می‌دهند و او می‌بیند که در دفاتر شهریه، علاوه‌بر طلاب به بیوت نیزشهریه داده شده، بیت کاشف الغطا، بیت بحرالعلوم، بیت. می‌گوید سید راتخطئه نمی‌کنم ولی من نمی‌توانم چنین کاری انجام دهم، آنگاه به کربلا می‌آید و توسل می‌کند که خدایا اگر مرجعیت به دین من لطمه می‌زند فاقبضنی الیک سریعا (مرا زود به سوی خودت ببر) وبا استجابت دعا دو ماه بعد فوت می‌کند و مرجعیت به آقای بروجردی می‌رسد. آقای مشکینی می‌فرمودندکه در فوت او درخواب دیده بودند که ملائکه، آسمان را زینت کرده‌اند، علت را سؤال کرده بود گفته شده بود حاج آقاحسین قمی تشریف می‌آورند. درهرحال رضاخان آن گونه بود که وقتی به وزیر دادگستری خود، داور، گفت برو بمیر او رفت منزل و دق مرگ شد.

وقتی به رضاخان گفتند همدان به خاطر حاج ملا علی همدانی زیر بار کشف حجاب نمی‌رود، گفت همدان را با خاک یکسان می‌کنم، همدانی دیگر درست می‌کنم. افسران رضاخان آنچنان از او وحشت داشتند که در برابر امضای او ادای احترام می‌کردند. وقتی جنازه موهوم او را برای دفن به شاه عبدالعظیم آوردند، تلقین‌دهنده بیچاره در فقره اسمع افهم ترسید بگوید یا رضا و گفت یا اعلی حضرت!!! خلاصه سنبه او بسیار پر زور بود و علمایی که دربرابراوایستاده ونهی از منکرکردند، شاهکارنترسی بودند.

بی‌باکی شیخ محمدتقی بافقی در برابر رضاخان

یکی دیگر از شخصیت‌های استثنایی که بدون ذره‌ای واهمه رضاخان را نهی ازمنکر کردمرحوم شیخ محمدتقی بافقی است. شیخ محمد تقی بافقی ذره‌ای به قدرت او وقعی نمی‌گذاشت و بطور مدام به او نامه می‌نوشت و با لحن قاطع و تند او را نهی از منکر می‌کرد. از آنجا که خط اوخوب نبود، اسم رضاخان را از صدر نامه حذف می‌کرد و به یک شیخی که خطش خوب بود می‌داد تا نامه را با خط خوب بنویسد سپس خودش اسم رضاخان را در صدر نامه می‌نوشت. آن شیخ که بعدا فهمیده بود نامه‌ها با خط او به رضاخان ارسال شده وحشت، تمام وجودش را گرفته بود!

رضاخان موسس حوزه را توبیخ کرده بود که چرا به این شیخ اجازه بی‌ادبی و جسارت داده است تا اینکه آقای بافقی شجاعت را به اوج رساند و صبر رضاخان تمام شد. ماجرا از این قرار بود که زن رضاخان با دختران خودش به صورت مکشفه در ماه رمضان در ایوان صحن آینه حرم حضرت معصومه(س) حاضر می‌شوند، هیچ کس در شهر جرأت نمی‌کند به او تذکر دهد، وقتی خبر به شیخ محمدتقی بافقی می‌رسد با کمال دلیری و شجاعت به صحن می‌آید و بر سر زن شاه فریاد می‌زند و نهی از منکر می‌کند، زن شاه خود را به دفتر تولیت می‌رساند و به رضاخان زنگ می‌زند که اگر تا دو ساعت خودت را به قم نرسانی و این شیخ را عقوبت نکنی من زن تو نیستم و اینگونه می‌شود که رضا خان در اسرع وقت با جمعی سفاک و هتاک به قم وارد می‌شوند و تمام طلبه‌هارا مورد حمله و ضرب و شتم و اهانت قرار می‌دهند و رضاخان شیخ محمد تقی را شخصا مضروب و با خود به تهران می‌برد و به شاه‌عبدالعظیم تبعید دائمی می‌کند.

طوبی لهم ثم طوبی لهم وحسن ماب

کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی
https://telegram.me/seyed_hasan_ameli

چراغ راه

چهار نیاز شیعیان

قال‌الامام الکاظم(ع): لاتستغنی شیعتنا عن اربع: خمرةٌ یصلی علیها، و خاتم یتختم به، و سواک یستاک به، و سبحةٌ من طین قبر ابی‌عبدالله(ع).

امام کاظم(ع) فرمود: شیعیان ما از چهار چیز بی‌نیاز نیستند: ۱- سجاده‌ای که برروی آن نماز خوانده شود ۲- انگشتری که در انگشت باشد ۳- مسواکی که با آن دندان‌ها را مسواک کنند ۴- و تسبیحی از خاک مرقد امام حسین(ع) (۱)

۱- تهذیب‌الاحکام، ج۶، ص۷۵

حکایت خوبان

عاقبت شوم دنیاپرستان!

امام علی(ع) می‌فرماید: دنیا خانه‌ای است پوشیده از بلاها، به حیله و نیرنگ شناخته شده، نه حالات آن پایدار، و نه مردم آن از سلامت برخوردارند، دارای تحولات گوناگون، و دوران‌های رنگارنگ، زندگی در آن نکوهیده، و امنیت در آن نابود است. اهل دنیا همواره هدف تیرهای بلا هستند، که با تیرهایش آنها را می‌کوبد، و با مرگ آنها را نابود می‌کند.

ای بندگان خدا! شما و آنان که در این دنیا زندگی می‌کنید، بر همان راهی می‌روید که گذشتگان پیمودند! آنان زندگانیشان از شما طولانی‌تر، خانه‌هایشان آبادتر، و آثارشان از شما بیشتر بود، که ناگهان صداهایشان خاموش، و وزش بادها در سرزمینشان ساکت، و اجسادشان پوسیده، و سرزمینشان خالی و آثارشان ناپدید شد! قصرهای بلند و محکم و بساط عیش و بالش‌های نرم را به سنگ‌ها و آجرها و قبرهای به هم چسبیده تبدیل کردند.(۱)

مردم! از دنیای حرام بپرهیزید، که حیله‌گر و فریبنده و نیرنگباز است، بخشنده‌ای بازپس گیرنده و پوشنده‌ای برهنه کننده است، آسایش دنیا بی‌دوام، و سختی‌هایش بی‌پایان، و بلاهایش دائمی است.(۲)

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۲۲۶
۲- همان- خطبه ۲۳۰

پرسش و پاسخ

سخنان غیرمستند منتسب به امام حسین(ع)(۲)

پرسش:

در محافل مذهبی و روضه‌خوانی و نگارش برخی متون سخنانی را در قالب نظم و نثر به امام حسین(ع) نسبت می‌دهند که در کتاب‌های مرجع هیچ سند و مدرکی برای آنها یافت نمی‌شود. لطفا اهم مصادیق این نوع مطالب را بیان کنید؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال ضمن تاکید بر پالایش برخی مشهودات منتسب به امام حسین(ع) که سند معتبری ندارد، به یکی از آنها (ان‌الحیاة عقیدة و الجهاد) اشاره کردیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۲- ان کان دین محمد(ص) لم یستقم الّا بقتلی...

با مراجعه به کتابهایی که در این چند دهه اخیر نوشته شده، مشخص شد که هیچ‌کدام سند و مأخذ این سخن را ذکر نکرده‌اند. البته پس از بررسی معلوم می‌شد همه آنان که این سخن را نوشته‌اند، فقط با اتکا به شهرت و آوازه‌ای که این سخن دارد، آن را با عنوان یکی از سخنان امام حسین(ع) در آثار خود آورده‌اند! بعضی از نویسندگان هم که اهل تحقیق و دقت بودند، هنگام نقل این سخن بعضی از عبارت‌ها را به کار برده بودند که دوپهلو می‌نمود و پس از اندکی تأمل حکایت از نوعی تردید و تشکیک نویسنده می‌کرد.

سرانجام روزی هنگام تحقیق درباره شعرای کربلا، وقتی که می‌خواستیم برای تکمیل و تألیف «سیمای کربلا، حریم حریت»، فصلی را درباره شاعران برخاسته از شهر کربلا ترتیب دهیم، به شاعری به نام شیخ محسن ابوالحب حویزی برخوردیم که از شعرا و خطبای کربلا بود و در سال‌های (۱۲۳۵-۱۳۰۵ ق) زندگی می‌کرد. همان وقت پی‌بردیم که سخن مورد بحث، بیتی از یک قطعه از اشعار اوست و همان‌جا نوشتیم:

شیخ محسن هویزی حائری، معروف به «ابوالحب حویزی»، از خطبای بنام حسینی و از شاعران شیعه، دارای دیوان شعری به نام «الحائریات» است. در فضل و کرامت این شاعر همین بس که بیتی از یک قصیده غرای او، چنان شهرت شگفت‌انگیزی پیدا کرد که در همه‌جا و در بیشتر نوشته‌ها به نام امام‌حسین(ع) و به عنوان حدیث و روایتی از سخنان سیدالشهدا(ع) نقل و ثبت می‌شود؛ یعنی چنان زبان حالی در حق ابوالاحرار(ع) گفته است که به جای نقل روایت و حدیث مسلم نشسته است؛ آنجا که می‌گوید: اعطیت ربی موثقاً لا ینتهی الا بقتلی فاصعدی و ذرینی

من عهدی با پروردگارم بسته‌ام که هیچ‌گاه تمام شدنی نیست مگر با کشتن من، پس ای نفس بالا برو و مرا رها کن! ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی. فیا سیوف خذینی

دین محمد برپا نمی‌شود مگر با ریختن خون من پس ای شمشیرها مرا دریابید! (پیام عاشورا، عباس عزیزی، قم، دارالنشر، ۱۳۷۳)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

درک محضر خدا و رسول مانع ارتکاب گناه

(بدان ای سالک راه خدا!) اگر خدای نخواسته، یک وقت خواستید به یک کسی جسارت کنید، بفهمید که در حضور خدا دارید به بنده خدا جسارت می‌کنید. اگر غیبت کردید از یک مومنی، بدانید که در حضور خدا غیبت کردید از یک مومنی. اعمال شما- به حسب روایات- عرضه داده می‌شود پیش رسول‌الله(ص) اگر اعمال شما عرضه داده شد و رسول‌الله دید شما خلافکار هستید، چقدر ایشان ناراحت می‌شود؟! نخواهید که رسول‌الله(ص) ناراحت بشوند، قلب مبارک ایشان را مکدر نکنید. اگر یک وقت صفحه عمل من و شما را بردند، رسول‌الله(ص) دید که از غیبت و از فحش و امثال ذلک پر است جهت قلبش هم که او اطلاع دارد همه‌اش توجه به دنیاست، جهت اخلاق هم، اخلاقیات فاسده... آن وقت یک همچو چیزی ببینند، شاید در حضور ملائکةالله و در حضور خدای تبارک و تعالی خجالت بکشد که این شخص، از پیروان شماست، از شیعیان شماست، از امت شماست. (۱)

۱- صحیفه امام، ج۲، ص۳۹۰

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir